Review

The Origin, Nature and Legal Purpose of Medical Disciplinary Boards in Iran's Legal System

Sadegh Tariverdi[1]*, Mohammad Hossein Sadeghi[2], Hossein Poladi[3]

[1] Judicial Member of the Medical Disciplinary Board, Researcher of Medical Ethics and Law Research Center of Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

[2] Judges of the Supreme Court, Tehran, Iran

[3] Judicial Member of the Medical Disciplinary Board, Kermanshah, Iran

*** Corresponding Author**

Judicial Member of the Medical Disciplinary Board, Researcher of Medical Ethics and Law Research Center of Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Email: tariverdi2011@gmail.com

Received: Sep 28 2023

Accepted: Mar 3 2024

Abstract

Background: Medical disciplinary boards, as a part of the medical system organization, are responsible for dealing with trade union and professional violations of medical professionals in order to maintain the respect and dignity of medicine in the society. Therefore, considering the importance of the performance of medical disciplinary boards in the prevention of disciplinary violations, the main purpose of this research is to investigate and analyze the nature and legal purpose of medical disciplinary boards, its components and effects.

Method: This research is of a theoretical type and the method is descriptive and analytical with a legal-medical approach. Information has been collected in a library manner and by referring to legal documents, books and articles.

Results: The findings of this research show that administrative courts, including medical disciplinary boards, have been accepted by Iranian law as a practical reality. Arguing about the existence of these courts is a useless and fruitless debate. Today's discussions in the field of the mentioned authorities are mostly about reforming and improving their efficiency. Although the current situation of administrative courts and medical disciplinary boards is far from the desired and acceptable situation, these boards can play an important role in promoting and protecting the rights of the medical community and supporting the rights of recipients of health-related services.

Conclusion: The results of the investigation indicate that medical disciplinary boards are an example of administrative courts, which generally follow the legal system governing administrative and disciplinary courts, and they have special mechanisms and procedures in dealing with violations. The speed and simplicity of ceremonies, de-judgment, specialization, etc. are the main reasons and purpose of their existence.

Keywords: Administrative courts, Medical disciplinary boards, Legal system

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.22034/42.1.19]

Copyright 2024, Journal of Medical Council of Iran.
This work is licensed under a Creative Commons Attribution–NonCommercial 4.0 International License.

مقـاله مروری

خاستگاه، ماهیت و غایت حقوقی هیات های انتظامی پزشکی در نظام حقوقی ایران

صادق تاری وردی[1*]، محمد حسین صادقی[2]، حسین پولادی[3]

[1] عضو قضایی هیات انتظامی پزشکی و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

[2] قاضی دادسرای دیوان عالی کشور، تهران، ایران

[3] عضو پزشکی قانونی هیات انتظامی پزشکی، کرمانشاه، ایران

*** نشانی نویسنده مسئول:**

مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، ایران

نشانی الکترونیک:

tariverdi2011@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

چکیده

زمینه: هیات های انتظامی پزشکی به عنوان بخشی از سازمان نظام پزشکی، به منظور حفظ احترام و شوونات پزشکی در جامعه مسئولیت رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلین حرف پزشکی را برعهده دارد. از اینرو باتوجه به اهمیت عملکرد هیات های انتظامی پزشکی در پیشگیری از تخلفات انتظامی، هدف اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل ماهیت و غایت حقوقی هیات های انتظامی پزشکی، مولفه ها و آثار ناشی از آن است.

روش کار: این تحقیق از نوع نظری و روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی و با رویکردی حقوقی-پزشکی است. جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات حقوقی صورت گرفته است.

یافته ها: یافته های این پژوهش نشان می دهد که محاکم اداری از جمله هیات های انتظامی پزشکی به عنوان یک واقعیت عملی مورد پذیرش حقوق ایران قرار گرفته است. بحث بر سر موجودیت و هستی این محاکم بحثی بی فایده و بی نتیجه است. مباحث امروزه در زمینه مراجع مذکور بیشتر بر سر اصلاح و هر چه بهتر شدن کارآیی آنها می باشد. هر چند وضعیت موجود محاکم اداری و هیات های انتظامی پزشکی با وضعیت مطلوب و قابل قبول آن فاصله دارد لیکن این هیات ها با عملکرد مطلوب می توانند نقش مهمی در ارتقا و حمایت از حقوق جامعه پزشکی و حمایت از حقوق دریافت کنندگان خدمات مربوط به سلامت ایفا نمایند.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج بررسی حاضر، هیات های انتظامی پزشکی مصداقی از محاکم اداری بوده که عموما از نظام حقوقی حاکم بر محاکم اداری و انتظامی تبعیت می‌نمایند و در رسیدگی به تخلفات از ساز و کار و تشریفات رسیدگی خاص برخوردار هستند. سرعت و سادگی تشریفات، قضا زدایی، تخصصی بودن و ... دلایل عمده و غایت وجودی آنها را تشکیل می دهد.

واژگان کلیدی: محاکم اداری، هیات های انتظامی پزشکی، نظام حقوقی

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.22034/42.1.19]

Copyright 2024, Journal of Medical Council of Iran.
This work is licensed under a Creative Commons Attribution–NonCommercial 4.0 International License.

مقدمه

در هر جامعه ای انجمن ها، اتحادیه ها، کانون ها و سازمان های صنفی و حرفه ای از اجتماع افرادی همفکر و یا دارای شغل و حرفه ای واحد تشکیل می گردد که هدف از تشکیل آن، حفظ منافع افراد و یا حمایت شغلی و اجتماعی آنان می باشد. بعضی از این اجتماعات بر حسب اهمیت و به منظور حفظ شؤن اجتماعی و صنفی قواعد خود و مقرراتی وضع نموده که از ضمانت اجرایی لازم برخوردار می باشد. لذا به منظور رسیدگی به تخلفات حرفه ای و صنفی اعضا، کمیسیون و هیات هایی، طبق قانون به تخلفات انتظامی رسیدگی می‌نمایند. یکی از این اصناف جامعه پزشکی می‌باشد که اعضا آن مانند هر صنف دیگری ممکن است مرتکب تخلف یا جرم گردند. لذا به منظور حفظ احترام و شؤن پزشکی در جامعه تلاش در جهت حمایت از حقوق صنفی شاغلان حرف پزشکی و وابسته و برقراری نظم و انضباط در بین آنها، هیات های انتظامی پزشکی که یکی از ارکان و واحدهای تابعه سازمان نظام پزشکی بوده، برابر با مفاد قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی و آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلان حرف پزشکی تشکیل می گردد. سازمان نظام پزشکی از مهمترین مصادیق نظام‌های حرفه‌ای بوده که در جهت حفظ و حمایت از حقوق صنفی جامعه پزشکی به وجود آمده است. اعضای جامعه پزشکی مانند اعضای هر جمعیت یا انجمن به مناسبت حیثیت، شغل، مقام و وظیفه اداری مرتکب تخلفات انتظامی گردیده که مسئولیت رسیدگی به این تخلفات در سازمان نظام پزشکی را هیات‌های انتظامی پزشکی بر عهده دارند.

هیات‌های انتظامی پزشکی یکی از انواع محاکم اداری و انتظامی بوده که غالبا از نظام حقوقی حاکم بر محاکم اداری و انتظامی تبعیت می‌نمایند. بنابراین شایسته است قبل از تحلیل ویژگی کلی محاکم اداری و هیات های انتظامی پزشکی، خاستگاه، ضرورت شکل‌گیری، غایت حقوقی و انتقادات وارده بر این نوع محاکم مورد بررسی قرار گیرد.

تعریف محاکم اداری (محاکم انتظامی یا شبه قضایی)

گوناگونی و تعدد مراجع اداری (شبه قضایی)، ارائه تعریفی جامع و مانع را از سوی حقوقدانان مشکل نموده است و اکثر حقوقدانان اداری بیشتر به بیان مصادیق این مراجع پرداخته‌اند (۱). مراجع غیرقضایی (شبه قضایی) به عناوین مختلف در بین حقوقدانان به کار برده شده است از جمله دادگاه‌های اداری اختصاصی، محاکم ویژه اداری، کمیسیون‌های اداری، مراجع غیر دادگستری، مراجع اختصاصی غیر دادگستری، دادگاه اداری، دادگاه غیر دادگستری و هیات‌های انتظامی. مراجع اختصاصی اداری (شبه قضایی)، مراجعی اختصاصی با صلاحیت ترافعی هستند که به موجب قوانین خاص در خارج از سازمان رسمی قضایی به عنوان واحدی نسبتاً مستقل ولی مرتبط با ادارات، سازمان‌های دولتی، موسسات عمومی غیردولتی و سازمان‌ها و موسساتی که واجد امتیازات حقوق عمومی (موسسات حرفه‌ای) می‌باشد، تشکیل شده‌اند و صلاحیت آنها منحصر به رسیدگی و اتخاذ تصمیم در مورد تخلفات، اختلافات، شکایات و دعاوی اداری از قبیل دعاوی استخدامی، انضباطی، ارضی، ساختمانی و مالی می‌باشد که معمولاً به هنگام اجرای قوانین خاص عمومی مانند قانون کار، قانون استخدام کشوری، قانون شهرداری‌ها، قانون مالیات‌های مستقیم و دیگر قوانین، هدفشان توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ارتقا سطح خدمات عمومی و سود همگانی است، میان سازمان‌های دولتی و موسسات عمومی (اشخاص حقوقی حقوق عمومی) و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی برخوردار از امتیازات حقوق عمومی (موسسات صنفی و حرفه ای) به مانند هیات های انتظامی پزشکی از یک سو و اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی از سوی دیگر به وجود آمده و مطرح می‌گردد.

کارکرد این محاکم شبه قضایی است، به عبارتی عمل شبه قضایی عملی است شبیه به عمل قضایی با این تفاوت که توسط نهادی غیر قضایی صورت می گیرد؛ یعنی عملی که ماهیتاً قضایی است و آثار قضایی تولید می‌کند لکن از جانب نهادهایی به جز نهادهای قضایی صورت می پذیرد (۲). در نتیجه حکم آنها جنبه قضایی ندارد و تصمیم آنها اداری محسوب می شود (۳). به نهادها و مراجعی که این اعمال شبه قضایی را انجام می‌دهند مراجع شبه قضایی گویند.

خاستگاه محاکم اداری و هیات های انتظامی پزشکی در نظام حقوقی ایران

محاکم اداری در نظام حقوقی ایران هیچگونه محمل و جایگاه اساسی در نظم حقوقی ندارند بلکه با توجه به وجود آنها قبل از نظام جمهوری اسلامی ایران و تصویب قوانین عادی دیگری بعد از انقلاب، می‌توان گفت عمل شبه قضایی اداره و وجود مراجع شبه قضایی به عنوان یک واقعیت عملی مورد پذیرش حقوق ایران قرار گرفته است. در نظام حقوقی ایران، طبق اصل ۱۵۹ قانون اساسی، دادگاه های دادگستری به عنوان مرجع عام رسیدگی به تظلمات و شکایات مورد شناسایی قرار گرفته است و در کنار آن، اصل ۱۷۳ قانون اساسی، دیوان عدالت اداری را جهت رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به واحدها، مأمورین یا آیین نامه های دولتی و در راستای نظارت قضایی بر اعمال اداری پیش بینی نموده است؛ اما وجود نهادهای قضایی مذکور بدان معنا نیست که در نظام حقوقی ایران، نهادهای نظارتی داخلی (بازنگری غیرقضایی داخلی) من جمله هیات های انتظامی پزشکی مورد شناسایی قانونی قرار نگرفته است؛ چه پیش از تصویب قانون اساسی و چه پس از آن، قانونگذار عادی در قوانین مختلف مبادرت به تشکیل چنین نهادهایی

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.22034/42.1.19]

در قالب «دادگاه‌های اختصـاصی اداری» یا «مراجع اختصاصی اداری» که از آنها به هیأت ها و کمیسیون های اداری نموده است. در بند (۲) ماده ۱۱ نخستین قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰، صلاحیت فرجامی دیوان نسبت به آرا و تصمیمات قطعی هیأت‌ها و کمیسیون‌های اداری مورد شناسایی قرار گرفته است که تلویحاً افاده شناسایی وجود و شکل‌گیری چنین نهادهایی در ساختار نظام دادرسی اداری در ایران دارد. مقرره اخیرالذکر، بعدها به طور نسبتاً مشابهی در بند (۲) ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ و بند (۲) ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ نیز تکرار شده است که در واقع، مفهوم آن این است که رویکرد نظام حقوقی ایران به شناسایی چنین نهادهایی و همچنین ضرورت نظارت پذیری قضایی آراء و تصمیمات آنها تغییر نکرده است (۴)، تا جایی که حتی گفته شده است شورای نگهبان... وجود این مراجع را به شرط قابل تجدیدنظر بودن آرای آنها در یکی از مراجع قضایی و وجود نظارت قضایی بر آنها پذیرفته است (۵). هیات‌های انتظامی پزشکی نیز به عنوان بارزترین مصداق دادگاه های اداری و رکن اصلی سازمان نظام پزشکی به مانند سایر دادگاه های اداری فاقد جایگاه اساسی در نظام حقوقی می باشند لیکن در گذشته و حال دارای محمل قوانین عادی بوده است که شایسته است نگاهی اجمالی به تاریخچهٔ قوانین سازمان نظام پزشکی به عنوان منبع هیات های انتظامی پزشکی از بدو تأسیس تا به امروز داشته باشیم.

زیربنای سازمان نظام پزشکی در سال ۱۳۳۹ گذاشته شد و با تصویب قانون نظام پزشکی در همین سال جنبهٔ رسمی به خود گرفت. در سال ۱۳۴۶ با تصویب «اصلاح بعضی از مواد قانون نظام پزشکی، مواد پنجم و دوازدهم قانون مصوب ۱۳۳۹» اصلاح و سه تبصره به مواد چهارم و دهم قانون مذکور اضافه شد. از سال ۱۳۴۷ این سازمان فعالیت رسمی خود را آغاز، به طوری که کلیه پزشکان، دندانپزشکان، داروسازان وگروه‌های پیراپزشکی مانند ماماها و پرستاران و سایر رشته‌های وابسته به پزشکی تحت پوشش کامل این سازمان قرار گرفتند و این گروه و مردم از خدمات مشورتی، اجرایی و صنفی این سازمان بهره‌مند گردیدند.

در سال ۱۳۵۴ مجدداً موادی از آن اصلاح و موادی نیز به آن الحاق گردید. در سال ۱۳۶۹ قانون نظام پزشکی بطور کلی تعویض گردید و قانون جدید برای مدت ۵ سال به طور آزمایشی در تاریخ ۱۳۶۹/۴/۲۴ به تصویب کمیسیون بهداری و بهزیستی مجلس شورای اسلامی رسید. با سپری شدن مدت دوره‌ی آزمایشی، قانون مذکور اعتبار خود را از دست داد و اعتبار مجدد آن منوط به تصویب نهایی از طرف مجلس شورای اسلامی بود تا اینکه بالاخره این مهم در تاریخ ۱۳۷۴/۱۰/۲۰ با تصویب قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران به انجام رسید. پس از گذشت حدوداً ۶ سال از تصویب قانون سازمان نظام پزشکی، احساس ضرورت و تصمیم به اصلاح قانون در اولویت کارها و برنامه‌های این دوره سازمان قرار گرفت.

شورای عالی نظام پزشکی در اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ کمیته‌ای متشکل از نمایندگان مجلس ششم، اعضای شورای عالی نظام پزشکی، حقوقدانان و تعدادی از اعضای هیات مدیره شهرستان‌ها را مسئول بازنگری و پی‌گیری تصویب قانون سازمان نظام پزشکی نمود. این کمیته پس از بررسی‌های گسترده، فنی و کارشناسی درون سازمانی و با مطالعه تطبیقی قوانین و اساسنامه سازمان‌های نظام پزشکی در کشورهای مختلف دنیا طی ۱۵ ماه در مردادماه ۱۳۸۱ پیش‌نویس قانون را تقدیم شورای عالی نمود. پس از تصویب شورای عالی در مهر ماه ۱۳۸۱ به عنوان طرح قانونی با امضای ۱۵ نفر از نمایندگان مجلس ششم به کمیسیون بهداشت و درمان ارجاع و نهایتاً در اسفند ماه ۱۳۸۱ مورد تصویب قرار گرفت و جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال شد.

پس از طرح اشکالاتی در شورای نگهبان، موضوع قانون مجدداً در تاریخ ۸۳/۱/۲۵ در صحن علنی مجلس مورد بحث قرار گرفت و به دلیل یک مورد اختلاف نظر شورای محترم نگهبان و مجلس، مصوبه به مجمع تشخیص مصلحت نظام احاله و نهایتاً پس از ۶ ماه بررسی در کمیته حقوقی و قضایی مجمع، در تاریخ ۸۳/۸/۲۱ در صحن مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب و درتاریخ ۱۳۸۳/۹/۲۵ جهت اجرا، توسط ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران ابلاغ گردید.

اما در ارتباط با آیین نامه‌های مصوب انتظامی پزشکی از ابتدا تا به امروز می‌توان به آیین نامه‌های ذیل اشاره نمود:

۱- آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شغلین حرف پزشکی مصوب ۱۳۷۸/۴/۳۰.

۲- آیین رسیدگی دادسراها و هیات‌های انتظامی سازمان نظام پزشکی، جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۱۲/۴ شورایعالی سازمان نظام پزشکی.

۳- دستورالعمل نحوه تبلیغ و آگهی‌های دارویی و مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی، بهداشتی و امور پزشکی موضوع بند ب ماده ۳ قانون سازمان نظام پزشکی مصوب ۱۳۸۳/۱/۲۵ شورایعالی سازمان.

همچنین لازم به ذکر است که اولین انتخابات هیات مدیره نظام پزشکی در تاریخ ۱۳۴۷/۱/۱۶ در تهران برگزار و درتاریخ ۱۳۴۸/۴/۵ «نظام پزشکی ایران» رسماً افتتاح و دکتر منوچهر اقبال با کسب ۱۰۰۳ رای به عنوان اولین رئیس نظام پزشکی ایران انتخاب گردید. اولین جلسهٔ هیات مدیرهٔ نظام پزشکی مرکز در تاریخ ۱۳۴۷ /۰۲/۲۳ در هتل ونک تشکیل و دکتر جهانشاه صالح به عنوان اولین رئیس شورای انتظامی و پرفسور شمس به عنوان اولین دادستان انتظامی انتخاب گردیدند (۶).

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.22034/42.1.19]

فلسفه وجودی محاکم اداری و هیات های انتظامی پزشکی

در این مبحث تلاش بر این است که پاسخ مناسبی به این سوال که اساساً علت و هدف از ایجاد محاکم اداری و هیات های انتظامی پزشکی چیست؟ چرا با وجود دادگاه‌های عمومی دادگستری و نظام تفکیک قوا حل و فصل اختلافاتی که در صلاحیت مراجع مذکور است به دادگاه‌های عمومی دستگاه قضایی داده نشده است؟ و پاسخ به این سوال که، محاکم اداری رویه معمولی در بین تمام کشورهای دنیاست یا اینکه تنها پاره‌ای از نظام‌های حقوقی وجود مراجع غیرقضایی (محاکم اداری) را مجاز دانسته و به کار می‌برند؟ یا این نهاد حقوقی در سایر نظام‌های حقوقی نیز به چشم می‌خورد؟ شاید بتوان گفت فلسفه تشکیل محاکم اداری و هیات های انتظامی پزشکی این است که به علت پیچیدگی‌های خاصی که بعضی از موضوعات دارد، تخصص لازم اشخاص رسیدگی‌کننده در تشخیص و تعیین تکلیف نسبت به آن را می‌طلبد. علاوه بر آن رسیدگی سریع و مجانی و دور از تشریفات از ضروریات رسیدگی به امور محوله می‌باشد.

چه فلسفه و کارکردی در تشکیل این مراجع مدنظر قانون‌گذاران بوده است. هرچند که مراجع قضایی در رسیدگی به دعاوی اصل است. قانون‌گذار بنا به دلیل برخی از مصالح و در طول اداره زندگی جمعی به این نتیجه رسیده که رسیدگی و بررسی بعضی از امور را در اختیار مراجع غیرقضایی یا غیردادگستری قرار دهد. شاید بتوان گفت فلسفه تشکیل مراجع استثنایی (از جمله هیات های انتظامی پزشکی) این است که به علت پیچیدگی خاصی که در بعضی موضوعات دارد، تخصص لازم اشخاص رسیدگی‌کننده در تشخیص و تعیین تکلیف نسبت به آن را می‌طلبد. علاوه بر آن رسیدگی سریع و مجانی و دور از تشریفات از ضروریات رسیدگی به این قبیل امور محوله است. همچنین می‌توان دلایل مختلفی را برای تغییر رویکرد دولت‌ها در اتخاذ تصمیم برشمرد (۷).

محاکم اداری و انتظامی در نظام‌های حقوقی انگلستان و فرانسه

اساساً ریشه حقوق اداری و تشکیل دادگاه‌های اداری و هیات های انتظامی پزشکی را بایستی در حقوق فرانسه جستجو کنیم. تشکیل محاکم اداری به دلیل ضرورتی بوده که فرانسوی ها برای اولین بار تشخیص داده و با تشکیل شورای دولتی، نسبت به این کار اقدام نموده‌اند (۸).

نظام حقوقی فرانسه ، مهد دادگاه‌های اداری است که فعالیت آنها به مرور باعث تکوین و شکل‌گیری مفاهیم، اصول و قواعد حقوق اداری شد. بدین ترتیب برخلاف کشور انگلستان، حقوق اداری در فرانسه به مفهوم خاص کلمه، که حاکم بر روابط بین اداره و مردم باشد، سابقه‌ای دیرینه دارد. حقوق‌دانان فرانسوی بر این باورند که قوه قضاییه قادر به نظارت بر اعمال و اقدامات دستگاه‌های اداری و اجرایی دولت و مامورین اداری نمی‌باشد و اعطا چنین امتیازی به دادگاه‌های عمومی، برخلاف اصول حقوق، به ویژه اصل تفکیک قوا و مصالح اجتماعی است.

در کشور فرانسه دیوان عالی کشور و شورای دولتی در فرانسه دو رکن اساسی دادگستری را تشکیل می‌دهند و قضات آنها از استقلال و بی‌طرفی لازم بهره‌مندند. دادگاه‌های اداری فرانسه در عمل ثابت کرده‌اند که حامی و پشتیبان آزادی‌ها و مصونیت‌های فردی هستند «منشا دادرسی اداری و به عبارت دیگر تاسیس محاکم اداری را باید در حوادث پس از انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ جستجو کرد. رهبران سیاسی انقلاب فرانسه با محافظه کار شمردن قضات محاکم عادی دادگستری بر آن شدند که اختیارات مربوط به حل و فصل اختلافات اداری را از آن محاکم گرفته و به محاکم ویژه تفویض کنند. لذا به موجب قانون اوت ۱۷۹۰، محاکم اداری از محاکم دادگستری منفک شدند و دخالت قضات در امور مربوط به دادگاه‌های اداری ممنوع اعلام شد. قانون مزبور در واقع اصل تفکیک دادگاه‌های اداری و دادگاه‌های قضایی را صراحتاً اعلام داشت.

شورای قانون اساسی در سال ۱۹۸۰ اصل استقلال محاکم اداری را به عنوان اصل بنیادین شناخته است. همچنین در همین سال شورا با عنایت به این اصول به استقلال قضایی محاکم اداری ارزش قانون اساسی می‌دهد. هفت سال بعد در سال ۱۹۸۷ کار شورا در این مورد تکمیل می‌شود و با دادن رایی منطبق با مفهوم فرانسوی تفکیک قوا، اصل قضاوت اداری در ابطال یا اصلاح تصمیمات اخذ شده در «اعمال امتیازات ویژه قدرت عمومی» را برای محاکم اداری به رسمیت می‌شناسد. «شناسایی، چنین صلاحیتی به این محکمه معنی می‌دهد و نه تنها وجود محاکم اداری بلکه استقلالشان از نظر قانون اساسی ضمانت می‌شود.»

توضیحات بالا بیش از پیش بیانگر نظام حقوقی دوگانه‌ای است که در کشور فرانسه وجود دارد و همانطور که ذکر شد در این کشور برای جلوگیری از دخالت در امور اداری، دادگاه‌های اداری با صلاحیت ویژه‌ای زیرنظر شورای دولتی قرار دارند به طوری که شورای دولتی و دیوان عالی کشور فرانسه دو رکن قضایی در این کشور به شمار می‌آیند. اما در کشور انگلستان وضع به گونه‌ای دیگر و متفاوت از کشور فرانسه می‌باشد به طوری که «اساساً تقسیمات و مفاهیم حقوق در انگلیس متفاوت با حقوق فرانسه و دیگر انواع حقوق خانواده رومی ـ ژرمنی است. در سطح تقسیمات بزرگ حقوقی، نه تقسیم حقوق به عمومی و خصوصی یافت می‌شود و نه تقسیمات حقوق مدنی، حقوق بازرگانی، حقوق اداری، یا حقوق تامین اجتماعی که از دیدگاه ما تقسیماتی طبیعی به شمار می‌آیند.

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.22034/42.1.19]

با توجه به این وضعیت، در حقوق انگلستان نبایستی انتظار وجود حقوق اداری با آن مفهوم خاص و متمایز از حقوق عام را که در حقوق فرانسه شاهد هستیم، داشته باشیم و چنین قواعد حقوقی متمایز و مستثنی از حقوق خصوصی در نظام حقوقی انگلیس وجود ندارد. از همین رهگذر به طور سنتی در ابتدا حقوقدانان انگلیسی به دلایل متعددی با تاسیس دادگاه‌های اداری شدیداً مخالفت نموده‌اند و ایجاد محاکم اداری را تجاوز آشکار به حیطهٔ اقتدار قوه قضاییه دانسته‌اند. به اعتقاد حقوق‌دانان سنتی انگلستان، رسیدگی به کلیه دعاوی به حکم حقوق اساسی در صلاحیت عام مراجع قضایی است و نمی‌توان تفاوتی بین دعاوی علیه دولت و اشخاص خصوصی قائل شویم زیرا سلب صلاحیت از قوه قضاییه در رسیدگی به دعاوی اداری در حکم نفی اصل تفکیک قوا خواهد بود و تاسیس مراجع اداری خلاف عدالت اجتماعی است بدین علت که دولت نمی‌تواند در آن واحد هم طرف دعوی باشد و هم بر مسند قضا بنشیند و علیه خود حکمی صادر کند. علاوه بر این تاسیس محاکم اداری برخلاف تساوی و برابری افراد در مقابل قانون است و ماموران اداری در مراجع و دادگاه‌های اداری در وضعیت ممتازی نسبت به شهروندان عادی قرار می‌گیرند.

علی‌رغم دلایل ارائه شده از سوی حقوقدانان سنتی انگلستان، امروزه بینش ناشی از نفی حقوق اداری و به طبع محاکم اداری در انگلیس در حال اضمحلال می‌باشد و دلیل روشن این نظر وجود تعداد زیادی از مراجع غیرقضایی (شبه قضایی) اداری در نظام حقوقی این کشور است. «در حال حاضر، در انگلستان در مورد امور اداری و برای حل مشکلات به وجود آمده در زمینهٔ پاره‌ای قوانین، سازمان‌های مختلفی به نام دفتر (Board) کمیسیون یا دادگاه (Tribunal)، صلاحیت شبه‌قضایی یافته‌اند تا به اختلافاتی که به آنها ارجاع می‌شود رسیدگی کنند» (۹).

از نگاه کلی بر این مباحث می‌توان دریافت که هرچند حقوقدانان سنتی انگلیس با ایجاد محاکم اداری مخالف بوده‌اند اما امروزه با ایجاد مشکلاتی در زمینه حقوق اداری آنها نیز به ناچار مراجع مذکور را پذیرفته و رفته رفته در حقوق انگلستان در حال توسعه می‌باشد اما هنوز این محاکم به صورتی که در فرانسه وجود دارد در انگلستان جایگاهی ندارند.

ماهیت حقوقی محاکم اداری و هیات های انتظامی پزشکی

تحت تأثیر تحولات معاصر، حقوق اداری جامه ای جدید بر تن کرده است. هدف اصلی همه نظام های حقوقی نوین از نظارت بر اعمال و تصمیمات دولت، همانا تأمین عدالت اداری است. عدالت اداری به تعبیر پیتر کین باید به صورت یک سیستم مرکب دیده شود که ساختارها و ضابطه های گوناگون، سهمی در تضمین آن دارند. در این راستا، ساختارها، ضابطه ها و شیوه های نسبتاً تازه ای علاوه بر ساز و کار کلاسیک نظارت قضایی، پا به میدان گذاشته است. نظارت اقتضایی یا همان نظارت مراجع شبه قضایی یا مراجع اختصاصی اداری، پدیده نوظهور مورد نظر می‌باشند (۱۰).

اگر دادگاه‌ها را تجلی گاه نظارت قضایی و مراجع اختصاصی اداری از جمله هیأت های انتظامی پزشکی را منصه ظهور نظارت اقتضایی قلمداد نماییم، آنگاه با تعیین چهار تفاوت عمده این نهادها، می‌توان شناخت قابل قبولی نسبت به این گونه های نظارتی، به دست آورد. از لحاظ ساختاری: «دادگاه‌ها مراجعی هستند که زیرمجموعه دستگاه قضایی کشورند ولی مراجع اختصاصی اداری، نهادهای شبه قضایی می‌باشند که مستشاران آن، عنوان قاضی را یدک نمی‌کشند» (۱۱). از لحاظ کارکردی: «کار محاکم، نظارت است ولی کار مراجع اختصاصی اداری، بازنگری می‌باشد. این دو ماهیتاً تفاوت دارند. مراجع اختصاصی اداری با وجود آنکه مراجع اصلی تصمیم‌گیری نیستند اما از باب نظارت اقتضایی، عناصر مرتبط با موضوع را که مورد غفلت تصمیم گیرنده اصلی و بدوی یا مورد سوء برداشت آن بوده، کارسازی می‌نماید و گویی پا در کفش مقام تصمیم گیرنده اصلی و بدوی می‌گذارد. ولی در نظارت قضایی، به نظر می‌رسد که کار محاکم، جنبه شکلی دارد یا تعدیل و موازنه اداری در میان است، به این معنا که دادگاه بدون اعمال نظر ماهوی خویش، در پی اطمینان از اجرای قانونمند عمل اداری است (۱۲). از لحاظ گستره نظارتی: «فروپاشی دیوار نامرئی و تفکیک نادرست ساختاری میان امر عمومی (اداری) با امر خصوصی، مراجع اختصاصی اداری به سمتی پیش می‌روند که هر عمل دارای ماهیت اداری را صرف‌نظر از ماهیت سازمان متصدی، مورد کنترل قرار دهند یعنی ممکن است عملی از سوی یک نهاد کاملاً خصوصی به دلیل برخورداری از آثار حقوق عمومی، مشمول نظارت اقتضایی تریبونالها قرار گیرد. این در حالی است که قلمروی نظارت محاکم، به طور سنتی بر مبنای نوع سازمان متولی آن تعیین می گردد» (۱۳).

حقوقدانان، به وجود آمدن مراجع اختصاصی اداری را نتیجه گسترش دامنه ورود حاکمیت به عرصه های مختلف مقوله های اجتماعی در سطح جوامع می‌دانند. ارائه خدمات، لاجرم می‌بایست مدیریت شود و در این مسیر اختلافات و تضییع حقوقی حادث می شود که به لحاظ کثرت موارد، تخصصی بودن آنها، لزوم رعایت سرعت و همچنین اقتضائات اداری در رسیدگی به آنها و تشکیل مراجعی شبیه و در عین حال متفاوت با دادگاه را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. لذا ایجاد مراجع اختصاصی اداری در پی نیازی بوده که نظام‌های حقوقی در اغلب کشورها در خصوص چگونگی برخورد با مسائل اداری احساس کرده‌اند. پاسخ به این نیازها در همه موارد و در همه کشورها البته یکسان نبوده است و گاه از طریق ایجاد کمیسیون، گاه از طریق ایجاد هیات، گاه از طریق ایجاد دادگاه های اداری و گاه از طریق ایجاد سایر مراجع اداری بوده است (۱۴).

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.22034/42.1.19]

اهمیت و ضرورت محاکم اداری و هیأت‌های انتظامی پزشکی و بررسی انتقادهای وارده بر آن در این بند دو مبحث اساسی در خصوص محاکم اداری و هیات‌های انتظامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در قسمت اول در خصوص فلسفهٔ وجودی این محاکم و هیات های انتظامی و در قسمت دوم انتقادهای وارده بر این محاکم مورد بحث قرار می گیرد.

ضرورت و فلسـفه وجودی محاکم اداری و هیات هـای انتظامی پزشکی

در بحث محاکم اداری سوالاتی در خصوص ضرورت و فلسفه وجودی محاکم مزبور بیان شد که در این مبحث به سوالات پاسخ داده خواهد شد.

در ابتدای بحث باید گفت که محاکم اداری به عنوان یک نهاد و تاسیس حقوقی در بطن حقوق اداری شکل گرفته است و حقوق اداری نیز زیر مجموعه‌ای از حقوق عمومی می‌باشد. بنابراین برای دستیابی به ضرورت وجودی محاکم اداری باید ابتدا به اهداف و اصول حقوق عمومی و اداری پرداخت چرا که محاکم اداری من جمله هیات هـای انتظامی پزشکی مولود نگرش‌های خاص حقوق عمومی می‌باشند. از طرفی شناخت اصول و اهداف حقوق عمومی گامی موثر در شناخت فلسفه وجودی محاکم اداری و هیات‌های انتظامی پزشکی می‌باشد.

حقوق عمومی، حقوق گونه‌ای از روابط اجتماعی است که میان اشخاص صاحب قدرت (فرمانروایان) و اشخاصی که از قدرت اطاعت می‌کنند (فرمانبران) برقرار می‌شود. سپس بر کلیه روابط سیاسی، اداری یا مالی موجود میان دولت و شهروندان قابل اعمال است.

بنابراین ماهیت حقوق عمومی در خصلت «نابرابر طلب» آن نهفته است که خود ناشی از طبیعت روابطی است که این حقوق بنا دارد حد و نظم آن را تعیین کند. به بیان بهتر قدرت سیاسی و اداری که رسالت آن حفظ منافع عام و از نیروی دولتی بهره‌ور است، در یک طرف معادله واقع شده و در سوی دیگر اشخاص خصوصی وجود دارند که از منافع شخصی خود دفاع می‌کنند. این عدم تعادل مشهود به گونهٔ اجتناب‌ناپذیری بر بیان حقوقی این روابط، اثرات خود را باقی گذاشته است. دولت گاهی در مقام حل تعارض، منافع اجتماعی را بر منابع خصوصی ترجیح می‌دهد.

قابل توجه اینکه در مکتب اصالت فرد، هدف قواعد حقوق تامین آزادی فرد و احترام به شخصیت و حقوق طبیعی است و در این مکتب آزادی و تامین منافع افراد را مقدم بر هر هدف و منظوری دانسته و وظیفه دولت ها را تامین حداکثر آزادی برای افراد می‌دانند اما در مکتب اصالت جامعه هدف قواعد حقوقی تامین سعادت اجتماعی و ایجاد نظم و عدالت در روابط اجتماعی و زندگی مشترک اشخاص است و چنین ویژگی نه تنها از لحاظ نظری بلکه از جهت عملی عمومی این است که دادرسی دعاوی میان دولت و مردم تابع قواعد خاصی بوده و محاکم اداری را قانون پیش‌بینی کرده است. ایجاد محاکم اداری (شبه قضایی) در بطن اداره و اتخاذ شیوه خاص دادرسی و رسیدگی به دعاوی و اختلافات در این محاکم که مبتنی بر سرعت و حذف تشریفات دست و پاگیر می‌باشد، عمدتاً برای رسیدگی به دعوا و شکایات و تخلفات و حل اختلاف میان اشخاص حقوقی حقوق عمومی و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی واجد امتیازات حقوق عمومی (مانند هیات‌های انتظامی سازمان نظام پزشکی) و اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی از سوی دیگر، طبعاً ریشه در قواعد خاص حقوق عمومی دارد که مبتنی بر ترجیح منافع و سود همگانی بر آزادی‌ها و منافع فردی شهروندان است.

«از طرف دیگر چون به تصدیق اغلب متخصصان و کارشناسان حقوق، دادگاه‌های عمومی به علت تخصص نداشتن در این مسایل و همچنین به سبب آشنا نبودن با مقتضیات اداری، برای رسیدگی به این قبیل اختلافات، مناسب نیستند، از این رو دولت مجبور شده است که برای توفیق در اجرای این وظایف به تاسیس دادگاه های اختصاصی مبادرت نماید. افزون بر آن، آنچه وجود دادگاه های اداری را ضرورت می‌بخشد، مساله‌ی تخصص قضات در امور مختلف است. تخصص در جمیع شئون و فنون به عنوان یک نیاز و ضرورت احساس می‌شود و دانش حقوق و علم قضاوت از این حیث بی‌بهره نمانده است؛ از اینرو، لزوم تشکیل دادگاه‌های اداری که از جمله دادگاه های اختصاصی‌اند، به عنوان یک ضرورت اجتماعی احساس و پذیرفته شده است» (۱۵).

علاوه بر اهداف حقوق عمومی که در ایجاد محاکم اداری نقش داشتند اصول حقوق عمومی هم در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است. سه اصل عمده حقوق عمومی که شامل «اصل حاکمیت قانون» «اصل اقتدار» و «اصل مسوولیت» است تاثیر عمده در ایجاد و پیدایش محاکم اداری و هیات‌های انتظامی پزشکی داشته‌اند.

«اجرای اصل حاکمیت قانون در دستگاه‌ها وسازمان‌های اداری و صنفی، یکی از مظاهر اصل کلی است که در حقوق عمومی پذیرفته شده است. به موجب این اصل تمام قوا و فعالیت‌های دولت اعم از قانونگذاری، اجرایی و اداری تحت نظارت قانون قرار داده شده و افراد می‌توانند با مراجعه به مراجع قضایی صلاحیت‌دار از تخلف و تجاوز این دستگاه‌ها جلوگیری کنند. برابر این اصل، قوه قانون گذاری تابع مقررات قانون اساسی است و یک دادگاه عالی، مستقل و بی‌طرف، ناظر براعمال اوست. همچنین قوه قضاییه تابع قانون است و دیوان عالی کشور بر احکام صادره از سوی دادگاه‌ها نظارت دارد تا برخلاف قوانین حکم ندهند. این دیوان مکلف است که هر جا حکم را مغایر با قانون یافت، نقض کند. همین طور قوه‌ی مجریه تابع قانون است و چنانچه اقدامات و تصمیمات دستگاه‌های اجرایی و اداری بر خلاف قانون بود، افراد می‌توانند به مراجع صلاحیت دار مراجعه و با طرح

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.22034/42.1.19]

دعوا، لغو و ابطال اقدامات و تصمیمات مزبور را خواستار شوند» (۱۵).
در هر صورت، آنچه در اینجا مورد نظراست اعمال قوه مجریه است که باید مطابق قانون انجام گیرد «اما برای اینکه اعمال قوه مجریه با قانون و مقررات منطبق باشد، لازم است اصل حاکمیت قانون ضمانت اجرای کافی داشته باشد؛ یعنی وسایل دفاعی موثری در دست افراد باشد تا بتوانند هر زمان که ماموران و مقامات اداری از حدود اختیارات قانون خود تجاوزکردند به دادگاه‌های صلاحیت‌دار مراجعه کنند و با ابطال تصمیمات خلاف قانون یا متوقف ساختن اجرای آنها، مقامات مزبور را به رعایت قوانین و مقررات مجبورسازند». همچنین «اصل اقتدار عنصری است که تشخیص و استقلال حقوق عمومی را پایه‌گذاری می‌کند... چهره اصلی اقتدار از طریق امتیازات بی‌اندازه نمودار می‌شود. در رابطه دولت و عوامل آن، اقتدار دارای سلسله مراتب است... در رابطه بین دولت و افراد خصوصی اقتدار امتیازاتی را سبب می‌شود که درحقوق به معنای عام کلمه ناشناخته است. دستگاه دیوانی قادر است بنا به ارادهٔ خود دست به انجام اعمالی یک جانبه بزند، که قاعدتاً به آن «اختیار تصمیم گیری» می‌گویند. این اعمال رسماً قابلیت اجرا دارند و در برخی موارد از قوای عمومی برای اجرا استفاده می‌شود» (۱۶).
اصل اقتدار، جوهره محاکم اداری را بخوبی نشان داده و بیشترین تاثیر را در شکل‌گیری محاکم مزبور دارد و تشکیل این محاکم از تداوم «سنت اقتدار گرایانه» در نهادهای اجتماعی و حکومتی در سیر روند تاریخی است.
در طول تاریخ دو سنت آزادی خواهانه و سنت اقتدار گرایانه همواره در مقابل یکدیگر بوده و در برهه‌ای از زمان یکی بر دیگری غالب بوده است. یکی از نمودهای غلبه سنت اقتدارگرایانه برسنت آزادیخواهانه همین وجود محاکم اداری (انتظامی) است.
پیش‌تر اصل حاکمیت قانون توضیح داده شد و بیان شد تمام اعمال و مقررات دولتی باید براساس قانون باشد اما اصل حاکمیت قانون اصل دیگری را به همراه خود دارد و آن اصل مسئولیت است. زمانی که تمام اعمال اداری و تصمیمات و آیین‌نامه‌های اداری براساس قانون باشد در صورت مغایرت این اعمال و مصوبه ها با قانون، بحث مسئولیت دولت مطرح می‌شود که این مسئولیت می‌تواند مدنی، جزایی و یا سیاسی باشد.
بنابراین همان طور که مشاهده می‌شود اصل مسئولیت نیز از علل وجودی محاکم اداری است. برای نمونه اگر پزشکی از وظایف قانونی خود تخلف کند یا عملی خلاف شئون پزشکی مرتکب گردد طبق آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات پزشکی مورد تعقیب قرار گرفته و در برابر تخلف صورت پذیرفته محاکمه و به مجازات انتظامی محکوم می‌گردد. بدین ترتیب همانطور که بیان شد برای تحقق اهداف حقوق عمومی که در واقع تامین سود همگانی است و بر اساس اصل اقتدار، مسئولیت و اصل حاکمیت قانونی ایجاد محاکم اداری و انتظامی امری انکارناپذیر می‌باشد.

در نهایت باید اشاره‌ای داشت به مهمترین علت وجودی محاکم انتظامی (شبه قضایی)؛ یعنی کاهش بار دادگستری و محاکم قضایی و به عبارتی «قضازدایی». در راستای قضازدایی قانون برنامه چهارم توسعه در ماده‌ی ۱۳۰ مقرر می‌دارد: «قوه قضاییه موظف است لوایح ذیل را تهیه و به تصویب مراجع ذی صلاح برساند: الف: لایحه «جرم زدایی از قوانین کیفری» به منظور جلوگیری از آثار سوء ناشی از جرم انگاری در مورد تخلفات کم اهمیت، کاهش هزینه‌های نظام عدالت کیفری و جلوگیری از گسترش بی‌رویهٔ قلمرو حقوق جزا و تضییع حقوق و آزادی‌های عمومی...» به دنبال این ماده‌ی قانون لایحه قضازدایی توسط رییس قوه قضاییه تهیه و جهت سیر مراحل تصویب به هیات وزیران تقدیم شده است. متن لایحه این چنین می‌باشد:
«در اجرای بند ۲ اصل ۱۵۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور جرم زدایی و قضازدایی از برخی مقررات لایحه قضازدایی و حذف برخی عنوان‌های مجرمانه از قوانین به پیوست ارسال می‌گردد»
در لایحه‌ی قضازدایی به تشکیل برخی محاکم اداری مانند هیات‌های بدوی و تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات زیست محیطی پرداخته شده و در برخی موارد نیز صلاحیت هیات‌ها و مراجع اداری موجود را مطابق با لایحه‌ی مذکور اصلاح یا گسترش می‌دهد؛ از جمله صلاحیت هیات‌های انتظامی پزشکی موضوع ماده ۲۸ قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی.
نکات مهمی که می‌توان از این لایحه استخراج نمود این است که مراجع اختصاصی اداری یا به عبارتی محاکم اداری (شبه قضایی) و بطور خاص در این نوشتار هیات های انتظامی پزشکی عمدتا به دلایل ذیل شکل گرفته‌اند:
۱- کاهش حجم پرونده‌ها در مراجع قضایی و کاهش اطاله دادرسی.
۲-کاهش هزینه‌های دولت و جامعه، از طریق رسیدگی در مراجع اداری.
۳- جرم‌زدایی و حذف عنوان‌های مجرمانه رفتارها و جرایم کم اهمیت و کنترل این رفتارها در قالب تدابیر پیشگیرانه و یا مقررات انضباطی و اداری.
۴- سرعت و دقت بیشتر با رفتارهای غیر قانونی کم اهمیت.
۵- تاکید بر این واقعیت که امکان کنترل رفتارها با توسل به ساز وکارهای اداری، انضباطی، مدنی و صنفی، ضمن حفظ کنترل و نظارت دستگاه قضایی، مفید، کم هزینه و تاثیرگذار است.
۶- بیشتر پرونده ها فاقد ماهیت قضایی بوده و یا دارای پیچیدگی‌های خاص رسیدگی قضایی نمی‌باشد. بر این اساس سازوکارهای غیر قضایی برای رسیدگی به آنها مقرون به صرفه و سهل‌تر می‌باشد.

انتقادهای وارده بر محاکم اداری و پاسخ‌های وارده برآنها

ایجاد محاکم اداری با اصل تفکیک قوا مغایرت دارد

یکی از انتقادهای مهمی که همواره در خصوص محاکم اداری وجود

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-03]
[DOI: 10.22034/42.1.19]

داشته مغایرت تاسیس محاکم مزبور با اصل تفکیک قوا می‌باشد.
اصل تفکیک قوا که امروزه حقوقدانان و علمای علوم سیاسی از آن بهره می‌گیرند، دستآورد قرون هفدهم و هیجدهم است. «اصل تفکیک قوا، تدبیری اساسی برای جلوگیری از تمرکز قدرت سیاسی در دست یک فرد یا گروه از فرمانروایان و پرهیز از استبداد و خودکامگی جلوه می‌کند...» (۱۷).
«نظریه تفکیک قوا که در طول تاریخ تمدن بشر توسط نظریه پردازان معتدد از جمله منتسکیو (۱۶۸۹ـ ۱۷۵۵) نظریه پرداز نامی فرانسه در کتاب روح القوانین به طور واضح و روشن بیان گردیده است و کشورهای دنیا آن را پذیرفته‌اند. این اصل که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد پذیرش قرار گرفته، تبیین کننده اصلی تشکیل حکومت در کشور ایران است.... در این روند است که اصل پنجاه و هفتم، نظام تفکیک قوای مقننه، مجریه، قضاییه را به طور نسبی و با شیوه خاص خویش، پذیرفته است (۱۸).
«دادگاه‌های اختصاصی به طورکلی و از جمله دادگاه‌های اداری همیشه موضوع بحث و انتقاد بوده است، چنانکه وقتی بعضی از دعاوی به طور استثنا از صلاحیت دادگاه‌های قضایی و دستگاه‌های دادگستری خارج و به دادگاه‌های اختصاصی محول نمایند، این امر بر خلاف تفکیک قوای سه گانه می‌باشد» (۱۹). برابر اصل ۱۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است». بنابراین با اصول یادشده می‌توان این برداشت را نمود که تنها دستگاه قوه قضائیه از طریق دادگاه‌های دادگستری اختیار حل و فصل دعاوی بین اشخاص را دارا می‌باشد. به هر حال بر طبق قانون، تشکیل محاکم اداری به نظر می‌رسد که مخالف نظام تفکیک قوا باشد.
از طرفی در حال حاضر محاکم اداری مانند هیاتهای انتظامی نظام پزشکی اقدام به صدور حکم مبنی بر مجازات انضباطی از قبیل محکومیت یا محرومیت دائم از مشاغل پزشکی می‌نمایند در حالیکه به موجب اصل ۳۶ قانون اساسی که خود یکی از نتایج پذیرش اصل وحدت و انحصار قضایی در نظام سیاسی و حقوقی ماست؛ حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که صدور هر گونه حکمی مبنی بر مجازات اشخاص با توجه به اصل برائت (اصل ۳۷ قانون اساسی) صرفاً در صلاحیت دادگاه‌های دادگستری و مراجع رسمی قضایی می‌باشد و محاکم اداری که خارج از نظام رسمی و دستگاه قضایی فعالیت می‌کنند، صلاحیت صدور حکم مجازات برای متخلفان اعم از مجازات‌های انضباطی مانند اخراج محرومیت و انفصال دایم یا موقت و یا لغو پروانه را نداشته و این قبیل آرا مخالف با اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.
همچنین به موجب اصل ۹۱ قانون اساسی؛ «شورای نگهبان مرجع رسمی اعلام نظر در خصوص مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی است». از این رو مطالعه یکی از نظریات این شورا در خصوص محاکم اداری (شبه قضایی) ضروری و مفید است.
شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۶۶/۹/۲۶ در مورد طرح تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب جلسه روز یکشنبه هشتم آذرماه ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی، این طرح را که مبنای تاسیس یک دادگاه اداری یعنی «هیات ماده واحده حل اختلاف اراضی ملی شده» می‌باشد به جهاتی مغایر با قانون اساسی شناخته است که یکی از دلایل مغایرت را این طور بیان می‌کند: «... و ثالثاً نظر به اینکه مرجع تظلمات دادگستری است مغایر با اصل ۱۵۹ قانون اساسی است» (۲۰). مفهوم این اظهار نظر این است که از دیدگاه شورای نگهبان نیز تشکیل هیات حل اراضی اختلافی برای رسیدن به اعتراض اشخاص خصوصی یا عمومی نسبت به اجرای ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از اراضی جنگل‌ها و مراتع کشور ناقض اصل تفکیک قوا و اصل ۱۵۹ قانون اساسی می‌باشد.
در پاسخ به انتقاد اخیر در خصوص محاکم اداری (شبه قضایی) یعنی مغایرت مراجع مذکور با تفکیک قوا باید گفت؛ نگرش سنتی، اصل تفکیک قوا درحال حاضر، به صورتی چشمگیر متحول شده و نگرش‌های خاص جامعه شناختی، اندیشه نوینی را در این زمینه به ارمغان آورده است. لذا نظام حقوقی ما و قانون اساسی ما نیز نمی‌تواند فارغ از این تحولات به مسیر خود ادامه دهد. به عبارتی تفکیک مطلق قوا عملی نیست زیرا حدود تعیین کننده مرزهای قوا را نمی‌توان روشن و واضح ترسیم کرد. بنابراین به ناچار پس از تحولات به وجود آمده در حوزه و محدوده اصل تفکیک قوا، منجر به پذیرش نظریهٔ تفکیکی قوا گردیده است.
چنین برداشتی از اصل تفکیک قوا نه تنها مغایر با تشکیل محاکم اداری و هیات های انتظامی پزشکی در دستگاه‌های اداری و سازمان های صنفی و دخالت در صلاحیت قوه قضاییه محسوب نمی‌شود بلکه اساساً علت وجودی و منشا تاسیس دادگاه‌های اداری در قوه مجریه را بایستی قبول اصل تفکیک قوا به منظور جلوگیری از دخالت قوه قضاییه در امور جاری و فعالیت‌های خاص قوه مجریه بدانیم.
از طرفی شورای نگهبان با تصویب قانون تشکیل برخی محاکم اداری عدم مغایرت قانون تشکیل محاکم مزبور را با موازین شرع و قانون اساسی مورد تایید قرار داده است.

تأسیس محاکم اداری با اصل برابری افراد در مقابل قانون مغایرت دارد

از دیگر انتقادات وارده به تشکیل محاکم اداری مغایرت این محاکم با اصل برابری افراد در برابر قانون می‌باشد. البته این انتقاد بیشتر متوجه محاکم اداری که دارای صلاحیت اختصاصی در رسیدگی به برخی دعاوی می‌باشند بوده و طرفین اینگونه دعاوی نیز محدود به اشخاص حقیقی یا اشخاص حقوقی خاص هستند. برابری افراد در مقابل قانون

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-03]
[DOI: 10.22034/42.1.19]

یکی از مسایلی است که همواره در قوانین اساسی کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفته است. بطوریکه اصل یکصد و پنجاه و نهم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌کند: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است».

با توجه به اصل مذکور قاعدتاً هیچ کس نباید به دیگری چه از حیث برخورداری از اصول مندرج در قوانین و مقررات و چه از باب دادگاه صالح برای رسیدگی، مزیت و برتری داشته باشد.

همچنین بر اساس بند ۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروندان مورخ ۱۷۸۹ فرانسه «انسانها به لحاظ حقوق فردی، آزاد و مساوی به دنیا می‌آیند و بر همان قرار می‌مانند. تنها ملاک مجاز برای امتیازهای اجتماعی، مصالح عمومی است».

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصول ۱۹ و ۲۰ صراحتاً به برابری افراد و تساوی در مقابل قانون پرداخته است. به موجب اصل ۲۰ قانون اساسی «همهٔ افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی بهره‌مندند» و برابر اصل ۱۹ قانون اساسی «مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها، امتیاز نخواهد بود».

با این توضیحات، محاکم اداری (شبه قضایی) به صورت عام و هیات های انتظامی پزشکی به صورت خاص استثنایی است بر اصل برابری افراد در برابر قانون. بنابراین هر استثنا بر خلاف قاعده اصلی باید دارای مجوز قانونی باشد به این معنی که باید تاسیس محاکم مزبور در قانون اساسی آمده باشد تا مجوزی برای تاسیس محاکم اداری به عنوان استثناء بر اصل اولیه (اصل برابری افراد در برابر قانون) را دارا باشد.

به عنوان مثال در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، محاکم اختصاصی از قبیل، دادسرا و دادگاه نظامی (اصل ۱۷۲ قانون اساسی)، هیات منصفه‌ی رسیدگی کننده به جرایم سیاسی و مطبوعاتی (اصل ۶۸ ق.ا) و دیوان عدالت اداری (اصل ۱۷۳ ق.ا) به عنوان تنها مراجع اختصاصی تعیین شده‌اند واین امر نشان می‌دهد که حق تعیین محاکم اختصاصی اداری را قانون اساسی برای خود محفوظ نگه داشته است، و استفاده از چنین حقی را به دیگران و حتی به مجالس قانونگذاری عادی تفویض ننموده است. پس علی الاصول حتی قوانین عادی نمی‌توانند مبادرت به تشکیل محاکم غیرقضایی نمایند و چنین صلاحیتی از سوی قانون اساسی به طور ضمنی سلب شده است.

بنابراین قانون اساسی تنها به چند مرجع اختصاصی اشاره کرده است که به تعبیر دکتر هاشمی (۱۸): «محاکم استثنایی به ترتیب یاد شده و با توجه به اینکه اصل تساوی و آزادی و پاره‌ای دیگر از اصول حقوق مردم در اینگونه محاکم ممکن است نادیده گرفته شود، آنان را باید از جمله موارد استثنائات اساسی به شمار آورد که قانون اساسی آن را پیش‌بینی نماید و قانونگذار عادی علی الاصول حق پیش بینی آن را نداشته باشد». در پاسخ به انتقاد بالا باید گفت که اولاً شورای نگهبان چنین استنباط وسیعی از اصل تساوی را نداشته است و تشکیل محاکم اداری (شبه قضایی) را مخالف با اصل مذکور ندانسته و قانونگذار عادی را برای تشکیل محاکم اداری، صالح تشخیص داده است، مثلاً یکی از محاکم اداری که در قانون اساسی پیش‌بینی نشده ولی قوانین عادی مربوط به آن (با چند ایراد جزئی، آن هم نه در ارتباط با کلیات تشکیل آن) به تایید شورای نگهبان رسیده؛ هیاتهای انتظامی پزشکی مربوط به سازمان نظام پزشکی می‌باشد و از این نوع محاکم به تعداد قابل توجهی به تایید شورای نگهبان رسیده و از این بابت مشکلی به آنها وارد نشده است. ثانیاً در عمل و با توجه به تجربه تاریخی و با مراجعه به سابقه قانونگذاری در کشورهای مختلف و از جمله ایران می‌توان نتیجه گرفت که دادگاه های اداری فراوانی اعم از قضایی و اداری، با تصویب قانون اساسی یا عادی، تاسیس شده و فعالیت نموده و می‌نمایند و قاعدتاً تشکیل این مراجع اختصاصی را بایستی استثنای لازم و پذیرفته شده‌ای بر اصل تساوی و برابری حقوق افراد در مقابل قانون بدانیم که بنا به مقتضیات اجتماعی و شرایط دیگر، مستقر شده است. لذا تشکیل محاکم اداری من جمله هیات های انتظامی پزشکی در همین راستا قابل قبول و موجه می‌باشد.

ویژگی‌های محاکم اداری و بررسی آن در هیأت های انتظامی پزشکی

صلاحیت اختصاصی

از جمله ویژگی محاکم اداری داشتن صلاحیت اختصاصی برای رسیدگی به تخلفات، اختلافات و دعاوی اداری می‌باشد. برخلاف محاکم عمومی موجب اصل ۱۵۹ قانون اساسی دارای صلاحیت عام رسیدگی به عموم دعاوی می باشند صلاحیت مراجع اختصاصی اداری خاص و محدود به موارد مصرح در قانون خاصی است که به موجب آن تأسیس گردیده اند. لذا صلاحیت آنها در رسیدگی محتاج نصی صریح بوده و اگر مدعی وجود امری در صلاحیت خود باشند مکلف به اثبات آن به استناد مواد مصوبه قانونی می‌باشد. به عبارت دیگر صلاحیت محاکم دادگستری اصل و صلاحیت مراجع اختصاصی و اداری استثنایی بر آن بوده و در نتیجه در صورت تردید در میزان شمول مدلول آن مورد تفسیر مضیق قرار می‌گیرد.

دکتر لنگرودی در این ارتباط بیان می‌دارند: «در مورد دادگاه‌های عمومی اصل بر این است که نسبت به همهٔ مسایلی که تصور می‌شود، دادگاه صلاحیت رسیدگی و صدور حکم دارد. لذا عدم صلاحیت این محاکم محتاج به دلیل صریح داشته و برعکس در مورد دادگاه اختصاصی اصل بر این است که صلاحیت رسیدگی به موضوعات و دعاوی را ندارد. مگر در حدود قانون مربوط به آن دادگاه بنابراین در مورد این دادگاه‌ها عدم صلاحیت محتاج به دلیل نیست، بلکه صلاحیت آنان محتاج با نص صریح قانونی دارد. به همین لحاظ

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.22034/42.1.19]

نصوص راجع به صلاحیت دادگاه‌های اختصاصی در صورت تردید در میزان شمول مدلول آنها مورد تفسیر مضیق قرار می‌گیرد و حال اینکه این تفسیر مضیق در دادگاه‌های عمومی مورد پیدا نمی‌کند» (۲۱). از این صلاحیت محاکم اداری محدود به برخی دعاوی خاص مالیاتی، انتظامی، استخدامی، اجتماعی است که در قوانین و مقررات مربوط به آنها تصریح شده است.

هیات‌های انتظامی پزشکی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. این هیات ها مرجعی هستند صلاحیت‌دار جهت رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای صاحبان حرف و مشاغل پزشکی و وابسته و تعیین مجازات مناسب برای فرد متخلف یا متخلفین را بر عهده دارند. بنابراین توجه به اصل تخصص در رسیدگی به دعاوی پزشکی ایجاب می‌نماید که از ارجاع آنها به محاکم قضایی دادگستری اجتناب و این مهم با توجه به جنبه‌های تخصصی به مراجعی خارج از این چهارچوب که دارای تخصص‌های لازم در زمینه‌های خاص باشند سپرده شود که همان هیات‌های انتظامی پزشکی می‌باشد.

بخشی از این مراجع به تخلفات انضباطی، انتظامی و اداری مستخدمین و افراد صنفی در تخطی از انتظامات داخلی دستگاه‌های اجرایی و مجامع صنفی و عدم رعایت نظم داخلی آنها و همچنین به تخلفات افراد جامعه که واجد عنوان جرم نبوده بلکه با تخطی از برخی قوانین و مقررات آمره مرتبط با نقش دولت در جامعه مثل قیمت‌گذاری و نظارت بر توزیع کالاها، باعث اخلال در نظم انجام، برخی وظایف دولت و دستگاه‌های اجرایی می‌شوند رسیدگی می نمایند.

عمدتاً به اختلافات افراد و سازمانهای برخوردار از امتیازات حقوق عمومی رسیدگی می‌کنند

یکی دیگر از ویژگی‌های محاکم اداری این است که این محاکم عمدتاً به اختلافات بین یکی از واحدهای دولتی، وزارتخانه‌ها، سازمان‌های عمومی و موسسات عمومی غیردولتی (اشخاص حقوقی حقوق عمومی) و اشخاص حقوقی حقوق خصوصی برخوردار از امتیازات حقوق عمومی مانند سازمان نظام پزشکی از یک سو و اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی از سوی دیگر می‌پردازد. به بیان دیگر یک طرف دعوا در محاکم اداری عمدتاً افراد و اشخاص خصوصی و طرف دیگر دعوا اشخاص حقوق عمومی و به عبارت واضح‌تر اداره است. البته لازم به ذکر است در پاره‌ای موارد اداره در نقش خواهان و در پاره‌ای از موارد در نقش خوانده ظاهر می‌شود و اشخاص حقوق خصوصی نیز به همین منوال (هم در نقش خواهان و هم در نقش خوانده) حضور پیدا می‌کنند.

در ارتباط با هیات‌های پزشکی ممکن است این سوال مطرح شود که اشخاص حقوقی (اعم از حقوق عمومی یا حقوق خصوصی) می‌توانند در مقام خوانده یا خواهان طرف دعوا قرار گیرند؟ و دیگر اینکه آیا اشخاص خصوصی می‌توانند در مقام خواهان یا خوانده ظاهر شوند؟ در پاسخ باید گفت که در هیات‌های انتظامی پزشکی، طرفین اختلاف اغلب اشخاص حقیقی حقوق خصوصی هستند. مثلاً فرد بیمار از پزشک معالج خود به خاطر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی در هیات‌های انتظامی طرح شکایت می‌نماید در این دعوا خواهان و خوانده هر دو شخص حقیقی حقوق خصوصی هستند. اما در پاره‌ای از موارد شاکی ممکن است وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشد و مشتکی‌عنه شخص حقیقی حقوق خصوصی مثلاً شکایت وزارت بهداشت از مسئول فنی یک درمانگاه به خاطر بکارگیری و استفاده از افراد فاقد صلاحیت در امور پزشکی؛ که در اینجا شاکی از اشخاص حقوقی حقوق عمومی و مشتکی عنه از اشخاص حقیقی حقوق خصوصی می‌باشد. اما در مورد اینکه آیا اشخاص حقوق عمومی یا حقوق خصوصی می‌توانند خوانده دعوا باشند، به نظر می‌رسد طبق تبصره ماده ۱ آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات جامعه پزشکی مصوب ۱۳۷۸، عنوان شاغلین حرف پزشکی را منتسب به افراد دانسته که در مراکز تحقیقاتی، درمانی، آموزش و بهداشتی اعم از خصوصی، دولتی، تعاونی یا خیریه یا حسب مورد مطب یا دفتر کار اشتغال دارند. بنابراین کلمهٔ افراد منصرف از اشخاص حقوقی (اعم از حقوق عمومی یا خصوصی) می‌باشد. لذا اشخاص خصوصی می‌توانند در هر حال در هیات‌های انتظامی پزشکی هم در مقام خواهان و هم مقام خوانده قرار بگیرند ولی اشخاص حقوقی تنها در مقام خواهان می‌توانند ظاهر شوند و نمی‌توانند در مقام خوانده قرار گیرند.

تأمین منافع عمومی

برای توضیح این ویژگی باید دو نکته را مورد توجه قرار داد اول اینکه قوانین و مقررات حاکم بر ایجاد و فعالیت مراجع شبه قضایی و محاکم اداری در حوزه حقوق اداری و عمومی است و هدف نهایی از تشکیل این مراجع را باید در قواعد و مقررات حقوق عمومی جستجو کرد و نکته دوم حقوق اداری به عنوان شاخه‌ای از حقوق عمومی داخلی به مجموعه قواعد حقوقی متمایز و جدای از حقوق خصوصی که حقوق و تکالیف واحدهای دولتی و واحدهای اجرایی و موسسات عمومی و روابط آنها با یکدیگر و با مردم تنظیم می‌کند، اطلاق می‌گردد و فعالیت واحدهای دولتی و موسسات عمومی و سازمان های صنفی نیز در جهت تامین منافع عمومی و انجام خدمات عمومی عام‌المنفعه و حفظ نظم و امنیت عمومی می‌باشد. به عبارتی قواعد حقوق عمومی در جهت حفظ و تامین سود همگانی است، برعکس حقوق خصوصی که روابط میان افراد با یکدیگر و منافع خصوصی آنها را تامین می‌کند.

در ارتباط با دادسراها و هیات‌های انتظامی پزشکی می‌توان گفت وفق ماده یک آیین رسیدگی دادسراها و هیات‌های انتظامی سازمان نظام پزشکی مصوب ۱۳۸۴ شورای عالی سازمان نظام پزشکی؛

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.22034/42.1.19]

دادسرای انتظامی پزشکی عهده‌دار تحقیق و کشف تخلفات و تعقیب متخلفین و اقامه شکایت انتظامی در هیات‌های بدوی انتظامی در حدود قوانین و مقررات پزشکی می‌باشد که این امر در راستای اهداف سازمان و به منظور حفظ و حمایت از حقوق دریافت کنندگان خدمات سلامت و حمایت از حقوق صنفی شاغلان حرف پزشکی و نهایتاً در مجموع به منظور تامین منافع عمومی جامعه صورت می‌پذیرد. به عبارتی هیات های انتظامی پزشکی با دو کارکرد قضاوتی در مفهوم عام خود و کارکرد مشورتی برای محاکم قضایی هم منافع صنفی جامعه پزشکی و هم منافع عموم مردم در مواجهه با آنان را تامین می نمایند.

محاکم اداری و انتظامی مستقل از قوه قضاییه می‌باشند

محاکم اداری و انتظامی مراجعی مستقل از سازمان قضایی کشور و قوه قضاییه می‌باشند. این استقلال از قوه قضاییه در تمام ابعاد به چشم می‌خورد. به طوری که هیات‌های انتظامی پزشکی از لحاظ ساختاری، سازمانی، تشکیلات، نحوه فعالیت، ترکیب اعضا و آیین و روش رسیدگی به دعاوی و اهدافی که از ایجاد و فعالیت دارد به کلی متفاوت و متمایز از ساختار قضایی کشور است.

در این مبحث دو نکته حایز اهمیت است: اول اینکه شاید به نظر برسد یک نفر قاضی که به معرفی ریاست قوه قضاییه در هیات‌های انتظامی پزشکی عضویت دارد با استقلال قضایی هیات‌های انتظامی پزشکی منافات داشته باشد در حالی که وفق مواد ۵۹، ۸۸ و ۱۰۲ آیین رسیدگی دادسراها و هیات‌های انتظامی، آرا این هیات‌ها با اکثریت آراء اعضای حاضر صادر و ابلاغ می‌گردد و تنها نظر اقلیت در صورت مجلس ثبت می‌شود.

بنابراین به نظر می‌رسد عضویت قاضی در هیات‌های انتظامی به منظور تطبیق و عدم مغایرت احکام صادره از هیات‌های انتظامی با قوانین مدون و برای جلوگیری از تشتت آرا و تضمین و رعایت اصول دادرسی منصفانه بوده و معمولاً انشا آرا صادره از هیات‌های انتظامی با عضو قضایی حاضر در هیات‌های انتظامی می‌باشد. در این ترکیب در صورتی که وی (قاضی هیات) از رأی برابر با دیگران برخوردار باشد و ملاک، رأی اکثریت باشد و قاضی صرفاً به انشاء رأی صادره بپردازد، بر اساس رویه جاری موجب تلقّی نهاد موصوف به عنوان مرجع قضایی نمی شود (۴).

نکته دوم اینکه طبق ماده ۱۰۵ آیین دادرسی هیات‌های انتظامی، اشخاصی که به آرای قطعی هیات‌های انتظامی اعتراض داشته باشند می‌بایست ظرف مدت یک ماه از ابلاغ رای، اعتراض خود را به دفتر هیات صادر کننده رای تسلیم نمایند که این اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان مربوطه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. به نظر می‌رسد با وحدت ملاک از بند ۲ ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری، آراء قطعی هیات‌های انتظامی منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها بر عهده دادگاه تجدیدنظر است و در واقع دادگاه تجدیدنظر یک نظارت فرجامی و قیمومتی نسبت به آرای هیات‌ها داشته و به لحاظ سازمانی هیات‌های انتظامی پزشکی وابسته به دادگاه تجدیدنظر و به طور کلی سیستم قضایی نیستند.

محاکم اداری و انتظامی با وجود استقلال نسبی، وابسته به اداره و سازمان متبوع خود هستند

در خصوص محاکم اداری، عموماً اینگونه تصور می‌گردد این مراجع وابسته به قوه مجریه هستند اما باید خاطرنشان کرد که این یک تصور اشتباه است به این علت که این محاکم نه تنها در قوه مجریه، بلکه در موسسات عمومی غیردولتی که از نظر سازمانی هیچ‌گونه ارتباط سلسله مراتبی با وزارتخانه‌ها و قوای اجرایی ندارند و همچنین در پاره‌ای از نظام‌های حرفه‌ای که واجد برخی از امتیازات حقوق عمومی هستند مانند سازمان نظام مهندسی، کانون وکلای دادگستری و سازمان نظام پزشکی، تشکیل می‌گردد.

در ارتباط با هیات‌های انتظامی سازمان نظام پزشکی که بحث اصلی ما را تشکیل می‌دهد این خصیصه در این هیات‌ها نیز موجود می‌باشد؛ با این توضیح که وفق بند هـ ماده ۵ قانون تشکیل سازمان نظام‌پزشکی، هیات‌های انتظامی پزشکی یکی از ارکان تابعه سازمان نظام پزشکی به شمار آمده است هر چند اعضای این هیات‌ها در آرا و نظرات شبه قضایی خود از استقلال نسبی برخوردار می‌باشند.

در حقیقت هیات‌های انتظامی پزشکی رکن قضایی سازمان نظام پزشکی به حساب آمده اما در عین حال همین رکن قضایی از لحاظ اداری و تشکیلاتی (مسائل مالی، بودجه و پرسنلی) به سازمان متبوع خود وابسته است.

محاکم اداری و انتظامی به موجب قوانین خاص ایجاد شده‌اند

صحبت از محاکم انتظامی سبب می‌شود ناخودآگاه وارد بحث حقوق اداری شویم. اما باید این نکته را مدنظر قرار داد که «حقوق اداری مدون نیست، حقوق اداری ایران، قانون واحدی ندارد که در آن تمام اصول و احکام مسائل اداری مانند قانون اساسی، قانون مدنی، قانون تجارت، قانون آیین دادرسی کیفری و ... در یکجا تدوین و گردآوری شده باشد و علت آن این است که وظایف و مشاغل اداری متنوع و گسترده است و این موضوع در عمل اقتضا می‌کند که برای جوابگویی به نیازهای مختلف زندگی اداری و عمومی، قوانین مختلفی وضع شود» (۱).

بر این اساس موجودیت هریک از محاکم انتظامی و اداری وابسته به یک قانون خاص است به طوری که برای شناخت صلاحیت، تشکیلات و آیین‌دادرسی هر یک از این محاکم (شبه قضایی) اداری بایستی به قانون خاصی که مربوط به همان مرجع است مراجعه

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.22034/42.1.19]

شود. به عنوان مثال برای شناخت کمیسیون حل اختلافات گمرکی به قانون امور گمرکی و برای شناخت مراجع حل اختلاف کارگر و کارفرما باید به قانون کار مراجعه شود.

اما در ارتباط با هیات‌های انتظامی پزشکی؛ فصل ششم از قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام به هیات‌های انتظامی پزشکی اختصاص یافته است.

همچنین آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرفه‌ای پزشکی و وابسته در سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۸/۴/۳۰ هیات محترم وزیران به تعریف، شرح وظایف و تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرفه‌های پزشکی پرداخته که طبق تبصره ۲ ماده ۲۸ قانون سازمان نظام پزشکی مصوب ۱۳۸۳، آیین‌نامه انتظامی مصوب ۱۳۷۸ هیات وزیران را کماکان مجری دانسته است که شایسته بود با تصویب قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی در سال ۱۳۸۳ و نسخ قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی مصوب ۱۳۷۴، قانونگذار به سیاق سابق خود، به موجب آیین‌نامه جداگانه و جدیدی به بیان مصادیق تخلفات انتظامی و مجازات‌های راجع به آن می‌پرداخت چرا که با گذشت زمان و ایجاد اوضاع و احوال جدید باید تعریف جدید از مصادیق تخلفات پزشکی به عمل آورده و بالطبع این تحولات مجازات‌های جایگزین جدید را می‌طلبد.

آیین دادرسی دادسراها و هیات‌های انتظامی نظام پزشکی مشتمل بر ۱۲۴ ماده ۲۳ تبصره در تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۴ به تصویب شورای عالی سازمان نظام پزشکی رسیده و در حال حاضر لازم‌الاجرا می‌باشد. این تفویض اختیار برای تصویب آیین‌نامه به شورای عالی نظام پزشکی، وفق ماده ۴۴ قانون تشکیل سازمان از طرف قانونگذار صورت پذیرفته که این امردلالت بر محمل قانونی هیات‌های انتظامی نظام پزشکی دارد.

محاکم اداری و انتظامی دارای صلاحیت ترافعی هستند

صلاحیت ترافعی، اختیار توانایی و الزامی است که مرجع اداری یا قضایی به موجب قانون برای رسیدگی به دعوای معین پیدا می‌کند تا برابر با مفاد قوانین به تظلمات و شکایات رسیدگی و نسبت به حل و فصل اختلافات و احقاق حقوق تضییع شده اقدام نماید. صلاحیت ترافعی در واقع تشخیص حق از باطل در یک دعوا و حل و فصل اختلافات در مقام تنازع و ترافع به منظور فصل خصومت است و لازمه چنین صلاحیتی وجود اختلاف میان دو طرف در حق معین است به عبارت دیگر شروع رسیدگی در محاکم انتظامی وجود اختلاف میان دوطرف دعوا است.

به عنوان مثال هیات‌های انتظامی پزشکی وفق ماده ۲۸ قانون سازمان نظام پزشکی به منظور رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرف پزشکی تشکیل گردیده‌اند که این هیات‌ها وظیفه دارند در صورت اعلام تخلف از طرف خواهان دعوا (اشخاص حقیقی یا حقوقی) به تخلف صنفی و حرفه‌ای جامعه پزشکی رسیدگی و دعوای حاصل از این تخلف را حل و فصل نمایند. بنابراین هیات‌های انتظامی پزشکی با صلاحیت ترافعی خود به تنازع و دعوای حاصله از وقوع تخلف رسیدگی کرده و رای مقتضی را صادر و اعلام می‌نمایند. صلاحیت ترافعی مراجع شبه قضایی اداری از این حیث مهم است که در سازمان‌ها و ادارات دولتی، مراجع اداری دیگری در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کنند که با وجود شباهت های ظاهری میان آنها و محاکم اداری از نظر ترکیب، تشکیلات و نحوه عزل و نصب اساساً نوع و فعالیتشان غیرترافعی بوده و شامل اموری از قبیل مشورت، رایزنی، نظارت و ... است و فعالیت آنها به هیچ وجه جنبهٔ ترافعی ندارد. تفکیک این دو نوع مراجع (ترافعی و غیرترافعی) حایز اهمیت است؛ زیرا اگر محاکم اداری جز مراجع ترافعی باشد عمل آنها واجد ماهیت قضایی بوده و به استناد بند ۲ ماده ۱۳ دیوان عدالت اداری رسیدگی به آرا این مراجع فرجامی است یعنی دیوان داخل در ماهیت دعوا نشده و تنها نسبت به آرا قطعی صادر شده از این محاکم رسیدگی فرجامی می‌نماید. در حالی که اگر این محاکم ترافعی نباشند جز واحدهای دولتی محسوب شده و طبق قسمت الف بند ۱ ماده ۱۳، دیوان رسیدگی ماهوی نموده و به عنوان مرجع بدوی اقدام به صدور رای خواهد نمود.

نتیجه‌گیری

هر عضو از جامعه پزشکی ممکن است به مناسبت حیثیت، شغل، مقام و وظیفه اداری یا شغلی خود مرتکب تخلف انتظامی گردد که این تخلف آنها، در دادسرا و هیاتهای انتظامی پزشکی (شامل هیات بدوی، تجدیدنظر و عالی) مورد بررسی قرار می گیرد. همچنین دادگاه تجدید نظر هر استان نظارت عالی و فرجامی نسبت به آرای قطعی هیات‌های انتظامی پزشکی دارد.

هیات های انتظامی پزشکی به عنوان مصادیقی از دادگاه‌های اداری مراجعی اختصاصی با صلاحیت ترافعی که به موجب قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی به عنوان واحدهای نسبتاً مستقل ولی مرتبط به سازمان نظام پزشکی، واجد برخی امتیازات حقوق عمومی (قضاوت انتظامی، حکم به محرومیت از اشتغال به حرف پزشکی و...) تشکیل شده و صلاحیت آنها رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای جامعه پزشکی و مرجع صلاحیت‌دار در امر اعلام نظر کارشناسی و تخصصی به مراجع ذی صلاح قضایی در ارتباط با رسیدگی به تخلفات غیر صنفی و غیر حرفه ای و جرایم شاغلین به حرف پزشکی و وابسته پزشکی می باشد.

امروز واقعیت این است که بحث بر سر موجودیت و هستی محاکم اداری و انتظامی از جمله هیات‌های انتظامی پزشکی بحثی بی فایده

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.22034/42.1.19]

و بی نتیجه است. مباحث امروز در زمینه مراجع مذکور بیشتر بر سر اصلاح و هر چه بهتر شدن کارآیی آنها می باشد.
قضازدایی، کم‌کردن بار دادگستری و مراجع قضایی، سرعت و سادگی تشریفات، نظارت قضایی، جلوگیری از اطالۀ دادرسی، کاهش هزینه های دولت و... فواید و دلایل عمدۀ فلسفه وجودی محاکم اداری و انتظامی را تشکیل می‌دهند. در واقع وجود این مراجع به جهت تخصصی بودن مسائل مطروحه و خبره بودن اعضای هیات در مسایل مطروحه شده را می توان از دیگر امتیازات ویژه مراجع مذکور دانست.
اما باید در نظر داشت با همه امتیازاتی که هیات‌های انتظامی پزشکی با عنوان یک دادگاه اداری دارند، به نظر می‌رسد وضعیت موجود هیأت‌های انتظامی پزشکی با وضعیت مطلوب و قابل قبول آن فاصله دارد و تحول در ساختار و نحوه فعالیت این مراجع مستلزم کند و کاو عمیق و اقدامات مبتکرانه است. چنانچه پیشتر دیدیم، در نظام حقوقی انگلستان نیز که ظاهراً تشکیل محاکم اداری با نظام حقوقی آن ناسازگاری عمیقی دارد مع الوصف، صاحبان اندیشه سلیم در کشور مزبور را بر آن داشته است که با قبول و تحمل وجود این مراجع، اقدامات وسیعی را برای اصلاح وضعیت موجود و چگونگی فعالیت این دادگاه در جهت تامین هر چه بهتر حقوق شهروندان به عمل آورند.
همچنین به تجربه ثابت شده است که در رسیدگی ابتدایی به دعاوی و اختلافات پزشکی، هیات های انتظامی پزشکی مناسب تر از دادگاه عمومی هستند؛ زیرا دادرسان دادگاه های عمومی اطلاعات لازم را در خصوص علم پزشکی ندارند و بیشتر می‌کوشند اختلافات و دعاوی پزشکی را بر مبنای اصول حقوق مدنی و کیفری ذهنیاتی که در این رشته دارند حل و فصل نمایند. حال آنکه دادرسی پزشکی خود یک تخصص است و اعضای هیات های انتظامی پزشکی با احاطه ای که به قوانین اداری و مسائل و مقتضیات اداری دارند با واقع بینی به دادرسی و رفع اختلاف می پردازند و اکثر متخصصان و صاحب نظران بر این عقیده اند که این نظام به خوبی قادر به حمایت از حقوق و آزادی‌های افراد است.
اهمیت چنین تاسیسی حقوقی زمانی روشن‌تر می‌شود که در حال حاضر، افزایش آگاهی افراد از حقوق خود طبیعتا نتیجه‌ای جز اصطکاک و برخورد وسیع و فراگیر میان دریافت کنندگان خدمات سلامت و جامعه پزشکی نخواهد داشت لذا ایجاد مراجعی که به صورت تخصصی و مدبرانه، به داوری و حل و فصل اختلافات میان این دو بپردازد ضرورتی انکار ناپذیر است.

منابع

1. Emami M, Astvar Sangri K. Administrative law. 2nd Edition. Tehran: Mizan; 2016.

2. Hadavand M, Muslim Aghaei Touq. Special administrative courts in the light of the principles and rules of fair proceedings (Iranian law and comparative study). 2nd Edition. Tehran: Khorsandi Publications; 2014.

3. Shams A. Code of Civil Procedure. 12th edition. Tehran: Mizan Publications; 2005.

4. Review and pathology the structure and competency of administrative specific institutions(courts) in Iran administrative law. The Quarterly Journal of Judicial Law Views, 2023; 22(77): 199-224.

5. Rostami V, Aghaei Toogh M. Fair Trial in Special Administrative Authorities of Iran. 1st ed.Tehran: University of Tehran Press; 2009.

6. Nezam Pezeshki Journal. New Edition.Tehran: No. 2 and 3 (67 & 68); July and August 2014.

7. Sadrzadeh Afshar SH. Civil and Commercial Procedures. Volume1. 6th edition. Tehran: Allameh Tabatabai University Jihad Publications; 2001.

8. Naderifard, M., Mojtehedi, M., Ranjbari, A. The effect of the principle of precedence of the jurisdiction of the administrative courts in the realization of justice in France; A look at its implementation in the Iranian administrative law system.. Journal of Legal Research, 2022; 20(48): 185-213.

9. Rene D. The great systems of contemporary law. translated by Dr. Hossein Safaei, Dr. Mohammad Ashuri and Dr. Ezzat... Iraqi. 3nd edition: University Publishing Center; 1996.

10. Bagheri Ziari R, Haghpanah A. Legal Status of quasi-Judicial Authorities in the Iranian legal system. MLJ 2021; 15: 829-845.

11. Mahmoudi J. Analytical Study of Administrative Proceedings in Iranian Law. Tehran: Jangal Publications; 2011.

12. Fanazadeh R. Quasi-judicial authorities. Tehran: Khorsandi Publishing; 2016.

13. Cane P. An Introduction to administrative law. Oxford: Clarendon press; 1996.

14. Rostami V, Aghaei Toogh M. Fair Trial in Special Administrative Authorities of Iran. 1st ed. Tehran: University of Tehran Press; 2009.

15. Tabatabai Motmani M. Administrative Law. Tehran: Samt Publications; 1994.

16. Pierre Lalumiere, Andre Demichel. Public Law. translated by Abulfazl Ghazi. first edition.Tehran: Judge's Publishing House; autumn 1997.

17. Qazi A. with basic rights principles. Judicial Gazette. 2nd edition. Tehran: Mizan Publications; winter 1996.

18. Hashemi SM. Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran. Volume II. Tehran: Tehran University Press; 1996.

19. Shidfar Z. Public and Administrative law. 2nd. Tehran: Tehran University Press; 1963.

20. Mehrpour H. Collection of theories of the Guardian Council. Third volume. Tehran: Kayhan Publications; autumn 2011.

21. Jafari Langroudi MJ. Legal Terminology. Fifth edition. Fifth edition: Ganj Danesh Publications; Winter 1991.

[Downloaded from jmciri.ir on 2026-11-03]

[DOI: 10.22034/42.1.19]